

مسأله «من» و جز «من»

غلامحسین ابراهیمی دینانی

عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه تهران

چکیده: مرجع ضمیر «من» نمی‌تواند شکل و بدن بوده باشد. مرجع ضمیر «من» حتی نمی‌تواند روح و نفس شناخته شود. آنچه «من» خوانده می‌شود، در عین این‌که همه چیز را در خود منعکس می‌سازد، همواره در میان خود و غیر خود فاصله می‌بیند و از آنچه جز «من» است، سخن به میان می‌آورد. بدین ترتیب، میتوان از مسأله من و در پی آن از مسأله «من» و جز «من» سخن گفت. مسأله «من» و جز «من» یکی از مسائل عمده و بنیادی است که انسان قبل از هر چیز دیگر با آن سروکار دارد، و بلکه می‌توان گفت که هیچ مسأله‌ای در این عالم قبل از مسأله «من» و جز «من» قابل طرح شدن نیست. بنابراین، می‌توان گفت که این مسأله، «اصل‌الأصول» به شمار می‌آید. مسأله مزبور به صورت‌های دیگر همواره در میان افراد بشر مطرح بوده است؛ با این همه به محتوای ژرف آن کمتر توجه شده است. سرنوشت شرک و توحید به بررسی درست این مسأله گره خورده است. به همین دلیل، می‌توان گفت که اندیشیدن در مورد آن از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است و اوراق پیش روی، کوششی در جهت بررسی آن است.^{۱*}

^{۱*} [استاد دینانی تبلور نوزایی و باززایی مکرر یک سنت در دل خویش است. ایشان در اینجا در بستر طرح فلسفه اسلامی از دید نوعی سویژکتیویته، و با وفاداری به اصول فلسفه اسلامی و با تعبیر مجدد آنها، تا بدانجا پیش می‌رود که به راحتی و با بهره‌گیری از تعبیری نو، می‌تواند بگوید که مسأله من و جز من، «اصل‌الأصول» است. این متن و چکیده به‌تمامی، پاره‌هایی از کتاب ایشان با عنوان «من» و جز «من» است که ما تنها آنها را برگزیده‌ایم و با نظمی منطقی در پی هم آورده‌ایم. دبیر].